

دکتر محمد ستاری^۱

میزان تأثیرپذیری اولین عکاس حرفه ای ایران از معاصرین اروپایی اش

تاریخ دریافت مقاله : ۸۶ ۸ ۹

تاریخ پذیرش مقاله : ۸۶ ۹ ۱۲

چکیده

عکاسی به صورت داگرنوئیتیپی (انداختن عکس روی صفحه نقره ای) در سال ۱۸۳۹، همزمان با سلطنت محمدشاه قاجار در پاریس عرضه شد خبر این اختراع حدود چند ماه بعد به ایران رسید و رجال کشور مشتاق این هنر شدند. سه سال بعد در تهران دربار محمدشاه برای داشتن تجهیزات عکاسی ابراز تمایل کرد. روابط با فرانسه چندان مطلوب نبود و با انگلیس نیز نه چندان خوب به این ترتیب همسایه شمالی از فرصت استفاده کرد و یک دیپلمات را تعلیم عکاسی داده با دوربین داگرنوئیتیپی و دیگر وسایل مخصوص روانه تهران ساخت. در آغاز زمستان در حضور محمدشاه چند عکس برداشته شد. کمی بعد سه دوربین داگرنوئیتیپی در تهران وجود داشت در حالی که در اغلب کشورهای جهان هنوز عکاسی متداول نشده بود. اولین عکاس حرفه ای ایران آقارضا نام داشت. او اولین ایرانی ای بود که لقب «عکاس باشی» را از ناصرالدین شاه قاجار دریافت کرد. وی شاگرد کارل لهیان عکاس فرانسوی تبار مقیم ایران بود. آقارضا در سفرهای اول و دوم ناصرالدین شاه به فرنگ جزو همراهان بود و در پاریس آثار نادر عکاس معروف فرانسوی را دید. ضمناً با لوئیجی مونتابونه عکاس اهل ایتالیا که به ایران آمده بود، ملاقات داشت و شیوه کار وی را از نزدیک مشاهده نمود. پژوهش حاضر تلاش دارد تا به میزان تأثیرپذیری آقارضا از کارل لهیان، نادر و مونتابونه بپردازد. این تحقیق با بررسی آلبوم های عکس کاخ گلستان و اسناد نوشتاری دوره قاجار صورت پذیرفته است.

واژه های کلیدی

آقارضا عکاس باشی، تاریخ عکاسی ایران، کارل لهیان، مونتابونه، نادر، پرتره نگاری

Email: sattari@ut.ac.ir

۱_ استادیار گروه آموزشی ارتباط تصویری و عکاسی پردیس هنرهای زیبای دانشگاه تهران
شهر تهران، استان تهران

مقدمه

اولین ایرانی که مقدر بود عکاس حرفه‌ای و رسمی دوران آغازین عکاسی در ایران شود آقارضا فرزند میرزا اسماعیل جدیدالاسلام بود. رضا تحت آموزش‌های عکاسی حرفه‌ای از کشور فرانسه به نام فرانسس کارل‌هپان قرار گرفت. آقارضا در ۱۲۸۰ ق/ ۱۸۶۳ م به لقب «عکاس باشی» مفتخر شد. لقبی جدید در ایران دوره قاجار که تا آن زمان به هیچ ایرانی‌ای داده نشده بود. وی بعدها ملقب به «آجودان مخصوص» و سپس در ۱۳۰۲ ق/ ۱۸۸۴ م ملقب به «اقبال السلطنه» شد.

در سفرهای اول و دوم ناصرالدین شاه به فرنگ آقارضا به همراه گروهی دیگر از درباریان جزو همراهان بود. در پاریس نادر از ناصرالدین شاه و برخی از رجال ایرانی و اطرافیان او عکس‌هایی گرفت. همچنین در دوران اقامت لوئیجی مونتالبونه عکاس حرفه‌ای اهل تورین ایتالیا که به همراه اولین هیأت سیاسی و دیپلماتیک برای افتتاح سفارت ایتالیا در ۱۲۷۸ ق/ ۱۸۶۲ م به ایران آمده بود، میان او و آقارضا ملاقاتی صورت پذیرفته بود.

آقارضا به عنوان عکاس، به سبک کار و شیوه‌های استادش کارل‌هپان و نیز دو عکاس مشهور و مطرح جهان یعنی نادر و مونتالبونه توجه نشان داده بود و در برخی از عکس‌هایش، به سبک و روش‌های آنان تأسی جسته بود، اما دید خاص آقارضا بدون توجه و تقلید از این افراد حائز اهمیت است. در این مقاله با مطالعه و بررسی بر روی آلبوم‌های متعدد عکس باقی مانده از آقارضا و دو آلبوم متعلق به مونتالبونه که همگی در آلبوم خانه سلطنتی کاخ گلستان نگهداری می‌شوند و نیز بررسی آثار شاخص نادر چاپ شده در دو کتاب معتبر و نیز رجوع به اسناد و منابع نوشتاری دوره قاجار به میزان تأثیرپذیری آقارضا از عکاسان نامبرده می‌پردازیم.

دوفصلنامه دانشگاه هنر | شماره یک | بهار و تابستان ۸۷

نامه‌نمونه‌های تجسمی و کار بردی

۹۴

آقارضا عکاس باشی

آقارضا (تولد ۱۲۵۹ ق/ ۱۸۴۳ م - فوت ۱۳۰۷ ق/ ۱۸۹۰ م) فرزند حاجی اسماعیل جدیدالاسلام؛ از غلام بچه‌های با استعداد دربار ناصری بود (بامداد، ۵۱۳، ۱۳۷۱). در پی علاقه ناصرالدین شاه به عکاسی و آوردن فرانسس کارل‌هپان^۱ عکاس فرانسوی به تهران برای آموزش عکاسی، آقارضا تحت آموزش‌های کارل‌هپان قرار گرفت (ذکاء، ۱۳۷۶، ۲۴). رضا اولین عکس‌های خود را در تاریخ ۱۲۷۶ ق/ ۱۸۶۰ م انداخت. عکس‌ها منظره‌ای از آثار و ابنیه باستانی روستای خوره در حوالی محلات بودند (عدل، ۱۳۷۹، ۲۳۱). دید عکاسی آقارضا متأثر از استادش کارل‌هپان بود و هر دو به عکاسی پرتره گرایش بیشتری داشتند.^۲

آقارضا به دیگر شاخه‌های عکاسی همچون معماری و منظر نیز می‌پرداخت اما مقهور برخی شاخه‌های عکاسی مطرح در غرب و مورد توجه ناصرالدین شاه و استادش کارل‌هپان نشد و در حیطه فعالیت خویش به آنها نپرداخت.^۳

آقارضا در عکس‌های پرتره جمعی خویش، تا حدی از سبک لوئیجی مونتالبونه^۴ تأثیر پذیرفت. مونتالبونه عکاس حرفه‌ای اهل ایتالیا بود که در تورین آتلیه داشت و در ۱۲۷۸ ق/ ۱۸۶۲ م همراه اولین هیأت دیپلماتیک ایتالیا به ایران آمد (ذکاء، ۱۳۷۶، ۵۹).

اسنادی موجود است که ثابت می‌کند مونتالبونه و آقارضا یکدیگر را در تهران ملاقات کرده‌اند و مونتالبونه عکسی گرفته که در آن آقارضا به همراه جمعی دیگر حضور دارد. (Piemontese, 1972, fig 40). در پی تلاش‌های فراوان، آقارضا در ۱۲۸۰ ق/ ۱۸۶۳ م لقب «عکاس باشی» را از ناصرالدین شاه دریافت کرد (روزنامه دولت علیه ایران، ۱۲۸۰ ق، پنجشنبه ۱۲ رجب) و در عکاس‌خانه مبارکه همایونی به کار مشغول شد. اوج دوران هنری آقارضا در سفر ناصرالدین شاه به عتبات عالیات در سال ۱۲۸۷ قمری آشکار می‌شود و آثار بی‌بدیل و هنرمندانه آقارضا که در آلبوم شماره (۲۲۷) کاخ

گلستان جای دارد، نمایان‌گر این ادعا است.^۵

در سفرهای اول و دوم ناصرالدین شاه قاجار به فرنگ که به ترتیب در ۱۲۹۰ق/۱۸۷۳م و ۱۲۹۵ق/۱۸۷۸م صورت پذیرفت، آقارضا جزو ملازمین و همراهان شاه بود (ذکاء، ۱۳۷۶، ۵۴). در سفر اول و سفر سوم شاه به فرنگ، نادار عکاس مطرح و نامدار جهان در پاریس از شاه و برخی همراهان او از جمله اعتمادالسلطنه، ملیجک و فرخ‌خان امین‌الدوله عکس گرفت (ستاری، ۱۳۸۴، ۴۴). بعید است آقارضا درباره شیوه کار نادار و نحوه نورپردازی او در عکاسی پرتره کنجکاوی به خرج نداده باشد. سبک عکاسی نادار بی‌بدیل و غیرقابل دستیابی می‌نمود. از این رو آقارضا فقط در برخی از پرتره‌های تکی با نورپردازی عمومی که موضوع بر صندلی نشسته از نادار الهام گرفت (ستاری، ۱۳۸۲، ۶۴۳)

اما آنچه شایان ذکر است سبک خاص خود آقارضا، بدون تأثیرپذیری از این و آن و تا حدی هم به دور از عرف رایج عکاسی درباری ایران آن سالهاست. این سبک، عکاسی پرتره با دیدگاه رئالیستی مستند اجتماعی و نمایانگر حرفه‌ها و طبقات اجتماعی ایران است. عکسهای عمله گچ کار باغ طهران (آلبوم ۱۴۳)، کارگر ساختمانی با بیل و الک و چهارپایه (آلبوم ۱۶۱)، ابوالحسن خان قوشچی (آلبوم ۱۴۳)، میرزا عبدا... مذهب باشی (آلبوم ۱۸۹)، مسیو پرذل باغبان (آلبوم ۱۸۸)، کربلایی کاظم خان (آلبوم ۱۴۳) و... بهترین دلیل برای این مدعا هستند (همان، ۶۳۹، ۶۴۰)

بعدها در اوایل قرن بیستم نظیر این گونه عکسها یعنی پرتره حرفه‌های اجتماعی در آثار یکی از عکاسان مطرح و معروف اهل کشور آلمان به نام آگوست ساندر^۶ مطرح شد. در این گونه از عکاسی پرتره، بازسازی رئالیستی چهره که خصوصیات شخصی را آشکار می‌سازد هدف اصلی است. اینگونه عکسها تابع عقاید مرسوم و کلیشه‌ای عکاسی پرتره آن دوران نیستند.

نکته مهم و قابل ذکر دیگر استفاده از دستگاه آگراندیسور یا بزرگساز عکس توسط آقارضا است. تا به حال گمان بر آن بود که ورود اولین دستگاه آگراندیسور به ایران سال ۱۳۰۵ق/۱۸۷۷م بوده است (ذکاء، ۱۳۷۶، ۹۶ و صافی، ۱۳۶۸، ۵)

اما با دستیابی به اسنادی نویافته توسط صاحب این قلم روشن شد آقارضا اولین عکاس ایرانی است که از این دستگاه در سال ۱۲۸۷ق/۱۸۷۰م بهره جسته و یک دستگاه آگراندیسور حداقل از ۱۲۸۴ق/۱۸۶۷م در عکاسخانه مبارکه موجود بوده است (ستاری، ۱۳۸۲، ۳۲۳ الی ۳۲۶)

در ورای فون برخی از عکسهای آقارضا، دیوار حیاط کاخ گلستان یا منزل آقارضا دیده می‌شود و این امر دال بر عکاسی در محیط خارج از استودیو اما با فون است. این مورد خود تبدیل به یک سنت تصویری خاص در عکاسی آن دوره ایران می‌شود و حاکی از تفاوت میان پیشینه تصویری در ذهن آقارضا از یک سو و مونتابونه از سوی دیگر است.

نادار و مونتابونه؛ در عکسهای پرتره خویش ملهم از پرتره نگاری نقاشی غرب بودند، حال آنکه آقارضا که فاقد این فرهنگ بصری بود نگاهی صاف، بی‌آلایش و رئالیستی به موضوعهای خود داشت. اما تکنیک‌های فنی تمامی این عکاسان عمدتاً عکاسی بر روی شیشه کلودیون^۷ و چاپ عکسها اکثراً بر روی کاغذهای آلبومینه^۸ است.

نگارنده برخی از قدیم‌ترین شیشه‌های برش خورده با الماس توسط دست را که مربوط به آلبوم شماره ۳۴۰ آقارضا می‌شود و عکس آن تاریخ ۱۲۹۳ق/۱۸۷۶م را دارد معاینه و بررسی کرده است (شیشه‌های قدیمی‌تر از این تاریخ متأسفانه هنوز مفقودند). برش دستی نمایانگر آن است که شیشه حساس، تولید کارخانه نبوده و آقارضا شخصاً آن را برش داده و سپس حساس کرده است.

آقارضا اولین عکاس ایرانی است که برخی از عکسهایش را با دست رنگ آمیزی کرده بود. تا قبل از وی نظیر این کار فقط در مورد چند عکس از آثار لوئیجی مونتابونه دیده شده است. به عنوان مثال مونتابونه عکس سربازان ایرانی تحت شماره ۵۲ از آلبوم شماره ۳۷۴ کاخ گلستان را به زیبایی هر چه تمامتر رنگ کرده است؛ آقارضا نیز در آلبوم شماره ۲۴۲، عکس شماره ۲۳ را با دقت فراوان و زیبایی چشمگیر رنگ آمیزی نموده است، اما رنگهای به کار برده شده توسط آقارضا ملهم از رنگهای مینیاتورهای ایرانی است.

میزان تأثیرپذیری اولین عکاس حرفه‌ای...

نامه هنرهای تجلی و کار بردی

آقارضا در سال ۱۲۹۰ ق/ ۱۸۷۳ م لقب «آجودان مخصوص» دریافت می کند (روزنامه شرف، ذیقعه ۱۳۰۲ ق، ۳ و ۴). این سمت که به نوعی ریاست دفتر ناصرالدین شاه قلمداد می شود، وی را گرفتار کارهای اجرائی می کند، از این پس رفته رفته شاهد کم شدن فعالیت وی در عرصه عکاسی هستیم (اکثر عکسهای شاخص او در آلبومهایی قرار دارند که تاریخ آنها قبل از سال ۱۲۹۰ ق/ ۱۸۷۳ م است). در سال ۱۲۹۹ ق/ ۱۸۸۱ م اداره کل توپخانه ممالک محروسه ایران در اختیار وی قرار می گیرد (همان، ۱۳۰۲ ق، ۳ و ۴). و به سال ۱۳۰۱ ق/ ۱۸۸۳ م وزارت قورخانه [زردخانه] به آقارضا محول می شود (همان، ۱۳۰۲ ق، ۳ و ۴). تمام این مشاغل باعث درگیری او در امور اجرائی و سیاسی دوره ناصری بود.

نادار نیز درگیر کارهای سیاسی شد. اما او فردی با عقاید سیاسی ضد دولت کشورش بود و پلیس فرانسه در گزارشی که تاریخ ۱۵ ژوئن ۱۸۴۳ را دارد، او را شخصیت خطرناکی قلمداد می کند که افکار خرابکارانه اش را در پاریس انتشار می دهد (Rubin, 2001, 5).

آقارضا به عنوان «آجودان مخصوص» در سفرهای اول و دوم شاه به فرنگ او را همراهی می کرد، بنابراین مسئولیتهای منبعث از عنوان «عکاس باشی» دیگر بر شانه او سنگینی نمی کرد. همچنانکه قبلاً اشاره شد نادار در این سفرهای خارجی از شاه و برخی از همراهان وی عکس می گیرد. شیوه نورپردازی نادار در عکس شاه در سفر اول شاهکار و در عکس شاه در سفر سوم ممتاز است. تکنیک نورپردازی نادار در عکسهای که از فرخ خان امین الدوله، ملیجک به همراه اعتمادالسلطنه و سپس بعدها از دوست علی خان معیرالممالک (پسر دوست محمد خان معیرالممالک) می گیرد به ترتیب خوب، متوسط و کاملاً معمولی است (ستاری، ۱۳۸۴، ۴۴). اگر عکسهای پرتره تکی یا دو نفره آقارضا را در نظر بگیریم، این عکسها با دو عکس ملیجک و اعتمادالسلطنه و پرتره دوست علی خان قابل مقایسه هستند.

گاهی عکاسان برای ارائه هرچه زیباتر عکس، آن را در هلال محو چاپ می کردند. به این تکنیک وینیت (Vignette) می گویند.

هم آقارضا، هم مونتাবونه و هم نادار از این تکنیک بهره برده اند. (عکسهای شماره ۳۷، ۳۹، ۴۶، ۴۷، ۵۲ و ۶۰ مونتাবونه در آلبوم عکس هیأت سیاسی ایتالیا در ایران) و (عکسهای صفحه های ۴۵ و ۴۷ از کتاب نادار ناشر انگلیسی^۱ و نیز عکسهای شماره ۱۹ و ۳۷ از کتاب نادار^۲ ناشر فرانسوی) و (عکسهای شماره ۱۰ و ۱۸ از آلبوم ۱۸۹، عکس شماره ۸ از آلبوم ۱۴۳ و نیز عکسهای شماره های ۲۴، ۲۷، ۴۳، ۴۴ و ۷۰ از آلبوم ۱۳۳ کاخ گلستان) اثر آقارضا همه هلال محو سفید و یا سیاه دارند. اما اجرای تکنیک در آثار مونتাবونه از بقیه برتر می نماید.

نتیجه گیری

عکاسی پرتره در سالهای آغازین شیوع این رسانه در جهان «تصویر» را دموکراتیزه کرد (Mirzoeff, 1999, 65) و به افراد عادی امکان داد تا تصویر چهره خود را ثبت و برای رجوع نسل آینده، بایگانی شخصی ایجاد کنند. هرچند این گونه تلقی از عکس؛ همپای ورود عکاسی به کشورمان در ایران عصر ناصری شایع نشد. عکاسی به فاصله کمتر از سه سال از ابداعش در غرب به ایران رسید (عدل، ۱۳۷۹، ۱)، اما تا حدود سه دهه در اختیار دربار ناصری بود و در میان عامه مردم رسوخ نکرد (شیخ، ۱۳۷۸، ۳۲۲).

آقارضا در طول سالهای اولیه فعالیت عکاسی در پرتره نگاری تکی متأثر از استادش کارلهیان و در پرتره نگاری جمعی ملهم از لوئیجی مونتাবونه بود. اما در خلال برخی از آثارش به عکسهایی برمی خوریم که بدون تأثیرپذیری از افراد نامبرده، به سبکی خاص در عکاسی پرتره دست یافته که بی تأثیر از رئالیسم مستند اجتماعی نیست.

سالهای دهه ۱۲۸۰ قمری دوران درخشان فعالیت عکاسی آقارضا قلمداد می شود. وی پرتره

حرفه های اجتماعی خویش را در این دوره ارائه کرد. این دوره تا اولین سفرش به فرنگستان به درازا می انجامد. از این پس با توجه به مشغله های سیاسی و گرفتاریهای شغلی، او دیگر کمتر دست به دوربین می برد.

آقارضا در عکاسی پرتره، تحت تأثیر آن دسته از عکسهای پرتره نادار است که با نورپردازی عمومی و با ترکیب ثابت آرایه های نوری گرفته شده اند. البته نادار از نور مصنوعی و یا ترکیب نور مصنوعی با نور روز استفاده می کرد در حالی که آقارضا صرفاً نور روز را در دسترس داشت.

وجه عمده و شاخص این عکاسان یعنی آقارضا، کارلهیان، مونتابونه و نادار پرداختن به عکاسی پرتره است هرچند در میان آثار هرکدام به فراخور به برخی از گونه های دیگر عکاسی برمی خوریم.

آقارضا و تا حدی کارلهیان و مونتابونه در عکسهایی که در ایران برداشته اند عمدتاً به دستور و تحت امر عکس می گرفته اند حال آنکه نادار به میل خود عکاسی می کرده است.

وجه شاخص مشترک دیگر آن است که آقارضا و نادار هر دو به گونه ای فعالیت سیاسی داشته اند در حالی که کارلهیان و مونتابونه عکاسان حرفه ای و عمدتاً درگیر معیشت بوده اند.

آقارضا، مونتابونه و نادار برای ارائه هر چه زیباتر عکسهای خویش از تکنیک هلال محو بهره برده اند. تکنیک رنگ آمیزی عکس را مونتابونه و آقارضا توأماً به کار برده اند. کار هر دو فوق العاده است. اما طیف رنگهایی که در عکس رنگ شده کار آقارضا مشاهده می شود بخصوص بکارگیری رنگ طلائی آن را شبیه مینیاتورهای ایرانی کرده، در حالی که در عکس رنگ آمیزی شده مونتابونه چنین نیست.

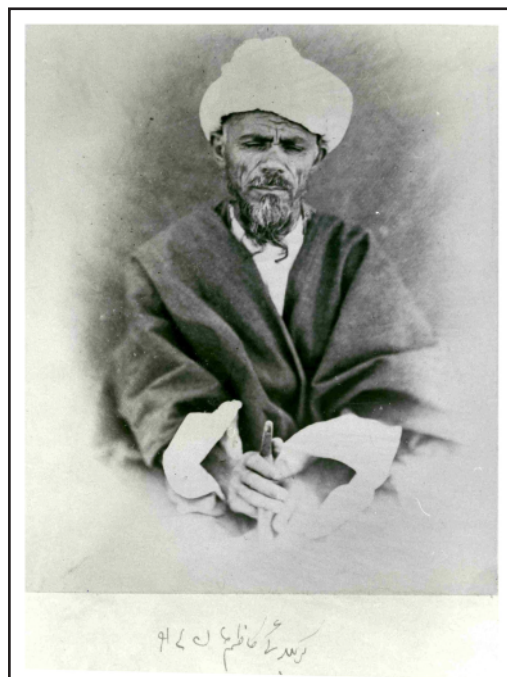
میزان تأثیرپذیری اولین عکاس حرفه ای...

نامه هنرهای تجسمی و کار بروی

۹۷



۲- ناشناس، عکاس آقارضا عکاس باشی، کاخ گلستان، آلبوم شماره ۲۲۰



۱- کر بلائی کاظم خان، سنه ۹۱ ۱۲۹۱ق، عکاس آقارضا عکاس باشی، (نوشته زیر عکس به خط ناصرالدین شاه است)، کاخ گلستان، آلبوم شماره ۱۴۳



میرزا ابوالوهاب مزه‌باشی

۴- میرزا عبدالوهاب مذهب باشی، عکاس آقارضا
عکاس باشی، کاخ گلستان، آلبوم شماره ۱۸۹



۳- کارگر ساختمان بابل، الک و چهارپایه، عکاس
آقارضا عکاس باشی، کاخ گلستان، آلبوم شماره ۱۶۱

دوفصلنامه دانشگاه هنر | شماره یک | بهار و تابستان ۸۷

نامه هنرهای تجسمی و کار بردی

۹۸



ابوالحسن خان محلاتی [قوشچی]، سنه ۹۱
در حالت ناخوشی

۶- ابوالحسن خان محلاتی [قوشچی]، سنه ۹۱
در حالت ناخوشی، عکاس آقارضا عکاس
باشی، (نوشته زیر عکس به خط ناصرالدین شاه است)
کاخ گلستان، آلبوم شماره ۱۴۳



عبدالله کاربانی، سنه ۱۴۳

۵- عمده گچ کار عمارت باغ تهران، عکاس آقارضا
عکاس باشی، (نوشته زیر عکس به خط ناصرالدین
شاه است)، کاخ گلستان، آلبوم شماره ۱۴۳

میزان تأثیرپذیری اولین عکاس حرفه‌ای...

نامه هنرهای تجلی و کار بردی

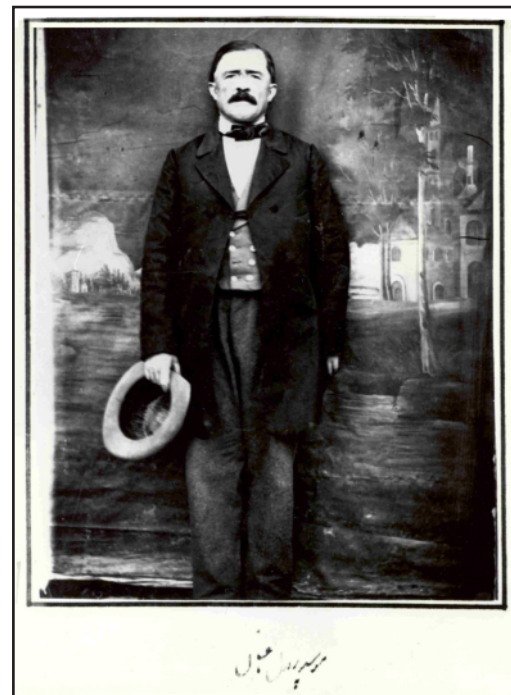
۹۹



۸- کربلائی رمضان قاپوچی [دربار]، عکاس آقارضا عکاس باشی، کاخ گلستان، آلبوم شماره ۱۸۹



۱۰- نواب تیمور میرزا [رئیس قوشچیان دربار ناصری و نویسنده کتاب بازنامه ناصری] و اولادان معزی الیه، عکاس آقارضا عکاس باشی، کاخ گلستان، آلبوم شماره ۱۳۳



۷- موسیو پرذل باغبان [باغبان قصر شاهي]، عکاس آقارضا عکاس باشی، کاخ گلستان، آلبوم شماره ۱۸۸



۹- میرزا مهدی کوثر، پسر میرزا رضاقلی وزیر دربار [؟]والده شاه، عکاس آقارضا عکاس باشی، (توضیحات پس از میرزا مهدی کوثر به خط ناصرالدین شاه است) 'کاخ گلستان، آلبوم شماره ۱۸۸



۱۲- مظفرالدین میرزا ولیعهد ناصرالدین شاه در خردسالی در تبریز، عکاس لوئیجی مونتایونه، سال ۱۲۷۹ ق/ ۱۸۶۲ م، کاخ گلستان، آلبوم شماره ۳۷۴



۱۴- مظفرالدین میرزا ولیعهد ناصرالدین شاه در تبریز نشسته بر صندلی به همراه تنی چند از همراهان: نصرالدوله، یحیی خان، رضاقلی خان لاله باشی (نوشته های روی عکس دستخط ناصرالدین شاه است)، عکاس لوئیجی مونتایونه، تاریخ ۱۲۷۹ ق/ ۱۸۶۲ م، کاخ گلستان، آلبوم ۳۷۴



۱۱- میرزا فتحعلی خان صاحب دیوان شیرازی، عکاس لوئیجی مونتایونه، سال ۱۲۷۹ ق/ ۱۸۶۲ م، (عکس با تکنیک هلال محو سفید چاپ شده و نوشته زیر عکس دستخط ناصرالدین شاه است)، کاخ گلستان، آلبوم شماره ۳۷۴



۱۳- ناصرقلی خان «عمیدالملک» زنجان، عکاس لوئیجی مونتایونه، سال ۱۲۷۹ ق/ ۱۸۶۲ م، کاخ گلستان، آلبوم ۳۷۴

دوفصلنامه دانشگاه هنر | شماره یک | بهار و تابستان ۸۷

نامه هنرهای تجسمی و کار بردی

۱۰۰



میزان تأثیرپذیری اولین عکاس حرفه‌ای...

نامه هنرهای تجلی و کار بردی

۱۰۱

۱۵- فرخ خان امین الدوله اولین سفیر ایران در پاریس، عکاس نادار، تاریخ حدود ۷۴ ۱۲۷۳ ق/ ۱۸۵۷ م. مأخذ کتاب نادار اثر نایگل گوسلینگ، صفحه ۱۱۷

پی نوشت ها

- ۱ Francis Carlhian (۱۸۱۸- ۱۸۷۰)
- ۲- حاصل مشاهدات نگارنده و بررسی آلبوم های کارلهمیان و آقارضا در کاخ گلستان.
- ۳- تاکنون عکسی با امضای آقارضا که مربوط به صورت قبیحه باشد یافت نشده است.
- ۴ Luigi Montabone (? ۱۸۷۷)
- ۵- ابعاد این آلبوم ۵ ۲۹ ۸ ۳۹ سانتیمتر، با جلد مخمل بنفش است. در صفحه آخر این آلبوم آقارضا تاریخ شروع سفر را روز ۲۵ جمادی الثانی ۱۲۸۷ قمری و پایان آن را غره شهر ذیحجه الحرام همان سال ذکر می کند. تاریخ تحریر آلبوم ربیع الاول ۱۲۸۸ است.
- ۶ August Sander (۱۸۷۶- ۱۹۶۴)
- پرتره های گرفته شده توسط آگوست ساندر که نمایانگر حرفه های خاص اجتماعی دوران اوست تحت عنوان «مردم قرن بیستم» مشهور شدند.
- ۷ Wet Collodion
- شیوه عکاسی بر روی شیشه که از ۱۸۵۱ م آغاز شد و به عمر عکاسی روی صفحه فلزی پایان داد.
- ۸ Albumen Paper
- چاپ عکس بر روی کاغذی که با سفیده تخم مرغ و هالوژن های نقره حساس می شود.
- ۹ Nadar. James H. Rubin, phaidon, 2001, p 45 and 46
- ۱۰ Nadar. Andre, Jammes, Centre de La photographie, photo poch, Paris, 1983, p 19 and 37.

فهرست منابع

- بامداد مهدی (۱۳۷۱). «شرح حال رجال ایران»، جلد اول، چاپ چهارم، زوار، تهران.
- ذکاء، یحیی (۱۳۷۶). «تاریخ عکاسی و عکاسان پیشگام در ایران»، چاپ اول، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
- روزنامه دولت علیه ایران (۱۲۸۰ قمری). نمره ۵۵۲، پنجشنبه ۱۲ رجب، طهران.
- روزنامه شرف (۱۳۰۲ قمری). سال ۲، ش ۳۳
- ستاری، محمد (۱۳۸۲). «بررسی تطبیقی میان آثار آقازاده اقبال السلطنه اولین عکاس حرفه‌ای ایران و تنی چند از معاصرین وی در جهان»، دو جلد، دانشگاه هنر (رساله دکتری).
- ستاری، محمد (۱۳۸۴). «نادار و عکاسی از ایرانیان»، نشریه هنرهای تجسمی، دوره جدید، شماره ۲۲، اردیبهشت، صفحه‌های ۴۴ الی ۴۷
- شیخ، رضا (۱۳۷۸). «افول تمثال همایونی»، فصلنامه تخصصی تاریخ معاصر، سال سوم، شماره ۱۰، تابستان، صفحه‌های ۳۲۱ الی ۳۳۲
- صافی، قاسم (۱۳۶۸). «عکس‌های قدیمی ایران»، چاپ اول، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- عدل، شهریار (۱۳۷۹). «آشنایی با سینما و نخستین گام‌ها در فیلم‌برداری و فیلم‌سازی در ایران»، انتشارات کاخ موزه گلستان و میراث فرهنگی، تهران.
- عدل، شهریار (۱۳۷۹). «خوره طلعه کاوش علمی ایرانیان»، فصلنامه طاووس، ش ۴ و ۵، بهار و تابستان، صفحه ۲۳۱

دوفصلنامه دانشگاه هنر | شماره یک | بهار و تابستان ۸۷

نامه هنرهای تجسمی و کار بردی

۱۰۲

- Gosling, Nigel (1976). Nadar, Alfred A. Knope inc, New York.
- Jammes, Andre (1983). Nadar, Centre National de la photographie, paris.
- Mirzoeff, Nicholas (1999). An Introduction to visual Culture, London and New York.
- Piemontese, M Angelo (1972). The Photograph Album of the Italian Diplomatic Mission to Persia (summer 1862), from « EAST AND WEST » Rome.
- Rubin, James H. (2001). Nadar, phaidon press, London.